



۵ چالش شیعیان در ابتدای امامت حضرت مهدی(عج)

بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع) پنج چالش جدی پیش روی شیعیان آن زمان قرار داشت که مردم با همکاری علما و نواب اربعه حضرت مهدی(عج) توانستند سربلند از آنها بیرون آیند.

بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع) پنج چالش جدی پیش روی شیعیان آن زمان قرار داشت که مردم با همکاری علما و نواب اربعه حضرت مهدی(عج) توانستند سربلند از آنها بیرون آیند. به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، درباره تاریخ ولادت، محل ولادت و تاریخ شهادت امام حسن عسکری علیه السلام میان مورخان اختلاف است، اما مشهور این است که در ماه ربیع الآخر سال 232 هجری قمری چشم به جهان گشود و در تاریخ اول ربیع الاول سال 260 هجری قمری به دستور معتمد عباسی، مسموم و در روز هشتم همان تاریخ به شهادت رسید.

حجت الاسلام سیدهادی سیدوکیلی عضو هیأت علمی دانشگاه قرآن و حدیث در یادداشتی شفاهی به بیان چالش‌های جامعه شیعی بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع) و ابتدای امامت حضرت مهدی(عج) پرداخت که در ادامه می‌خوانیم:

جامعه شیعه بعد از شهادت امام حسن عسکری(عج) با چند چالش جدی مواجه شد که باید نسبت به این چالش‌ها عکس‌العمل مناسبی نشان می‌داد و راه حلی برای آن می‌یافت.

1- چالش سیاسی: حکومت وقت به دنبال این مسأله بود که به نوعی تشیع را از بین ببرد و الان بهترین فرصت بود چرا که دیگر امام در جامعه حضور فیزیکی جدی نداشته و این بهترین فرصت برای حکومت بود که فشارش بر جامعه شیعی زیاد کند و آن را از هم بپاشاند و نشانه این مسأله آن است که بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع) تمام یاران اصلی ایشان، اهالی خانه، همسران و خدمتکاران ایشان همه را دستگیر می‌کنند و تا مدتی زیر نظر می‌گیرند به دلیل اینکه آیا فردی متولد می‌شود یا خیر؟! این یک چالش برای جامعه شیعه است، از یک طرف باعث می‌شود مبلغان و طرفداران شیعه، یاران امام و علما نتوانند به آزادی و به راحتی نسبت به تبیین مباحث اقدام کنند.

2- چالش جامعه شیعه: جامعه‌ای که اکنون از نظر عده و عده گسترش پیدا کرده است و افراد گوناگونی با فرهنگ‌های مختلف وارد جامعه شیعه شده‌اند و در عین حال دارای سطح ایمانی مختلف بود که این را از دوران امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) می‌توان دید، مثلاً بعضی از شیعیان هستند که خیلی مقید به انجام واجبات و مستحبات نیستند یا تقید کمتری دارند با توجه به آن جامعه اصیل شیعی و معمولاً ما این را در جاهایی می‌بینیم که دور از مرکز امامت و مرکز شیعه است. گاهی اوقات در نقاط مرزی با چنین جریاناتی مواجه هستیم.

3- مسأله غیبت: به هر حال اگر چه امام حسن عسکری(ع) هم در بین مردم رفت و آمد زیادی نداشتند و هم اینکه مردم می‌دانستند ایشان هستند، لذا هر از گاهی هم به دیدار ایشان می‌رفتند، دلگرم کننده بود، اما به خاطر فشارهایی که در چالش اول عنوان شد، ما تولد مخفی امام زمان(عج) را داریم، عده کمی آن هم فقط خواص با حضرت مهدی(عج) در ارتباط بوده و ایشان را رؤیت کردند، این یک چالش جدی در جامعه شیعی بود. یعنی مردم عادی این جامعه با امام ارتباطی برقرار نکردند امام عصر(عج) را ندیدند، قاعدتاً آمادگی و پذیرش تردید و شک را از نظر روحی دارند.

4- مدعیانی که از درون خود جامعه شیعه پیدا شدند و ادعاهای گوناگون داشتند: جریاناتی مانند جعفر کذاب که عموی امام زمان(عج) و برادر امام عسکری(ع) فرزند امام هادی(ع)، او ادعا می‌کند که برادر من امام عسکری(ع) اصلاً فرزندی نداشته است و من جانشین ایشان هستم. جعفر کذاب با ادعای امامت، عده‌ای را به دور خود جمع کرد جریان مدعیانی هم که امروزه با آن درگیر هستیم و در طول تاریخ در میان شیعه همچنان مدعیانی بوده‌اند و از میان جریان بابیت و بهائیت امروز «احمد الحسن» را می‌شناسیم، امروز علمای شیعه به دنبال رسوا کردن این مدعیان دروغین هستند. این چالش به عنوان مدعیان دروغین امامت، ولایت، ارتباط با خاندان وحی وجود دارد.

5- بحث غالیان: غالیان فضا را برای خودشان مهیا دیدند تا عرض‌اندام کنند و ادعاهای غالیانه خویش را پیش برند. علمای شیعه در چنین وضعیت بحرانی به وجود آمده، تحت نظارت امام چند حرکت انجام می‌دهند.

* راهکارهای علمای شیعه برای پیروزی در برابر چالش‌های پیش‌رو

الف: یکی از این حرکت‌ها گسترش جریان علمی در میان شیعه است؛ شخصی مانند مرحوم کلینی و نعمانی به سرعت شروع به تبیین مسأله غیبت، مهدویت، معارف دینی و تبیین کردن احکام و ... کردند و به طور کلی ساختار دین را به گونه‌ای معرفی کردند که در طول زمان این چالش‌ها نتواند ساختار دین را بر هم بزند و به تزلزل بکشاند. بنابراین زحمات آنها است که امروز ما را همچنان حفظ کرده و اصول عقاید و چارچوب فکری شیعه را مشخص کرده است. این یک حرکتی است که علما تحت نظارت امام زمان(عج) داشتند.

ب: اتحاد حول محور حضرت است: نواب اربعه از جایگاه برجسته‌ای برخوردار هستند، البته طبیعی است که عالمان شیعه نمی‌توانند این نوابان را خیلی در جامعه مطرح کنند، چون خطر سیاسی آنها را نیز تهدید خواهد کرد، اما ما نشانه‌هایی می‌بینیم که نواب اربعه جمع می‌شوند، مردم با آنها نامه‌نگاری می‌کنند، مباحث حقوق مالی و سؤالات شرعی خویش را با این نوابان در میان می‌گذارند.

ج: تقویت سیستم رهبری و مدیریت شیعه: در اوایل دوران غیبت صغری بسیاری از وکلای امام عسکری(ع) در نقاط مختلف مانند قم، خراسان، شامات و ... با این نوابان مکاتبه می‌کردند و از آنها سؤالاتشان را می‌پرسیدند و گاهی هم مردم را به نواب اربعه ارجاع می‌دادند. در واقع با این اقدام، سیستم هدایت و رهبری شیعه را تقویت می‌کردند. جدای از سیستم علمی، سیستم مدیریت و رهبری شیعه را سعی می‌کند منسجم و توانمند کنند و تحت عنایت و نظارت امام زمان(عج) به حول محور نواب خاص ایشان گرد آورند و قیام خویش را شکل دهند.

د: معجزات حضرت: اقدام سومی که انجام شد معجزات از طرف خود حضرت است؛ حضرات معصومین(ع) در طول دوران زندگی خودشان یک حرکتی را انجام دادند و آن اینکه جامعه شیعه را به سمت تعقل و راه‌های شناخت امام سوق داده شد و می‌گفتند امام از لحاظ فیزیکی، از نظر تقوایی، از نظر معجزه الهی و ارتباط با خداوند متعال، ویژگی خاصی داشته باشند و این‌ها را برای مردم بیان می‌کردند و وقتی این زمان ما با مدعیان و نیابت برخورد می‌کنیم جامعه شیعه فریب نمی‌خورد، از این رو همه مردم نزد جعفر کذاب می‌روند و می‌گویند تو باید علم غیب داشته باشی و چون تو علم غیب نداری پس امام زمان(عج) نیستی و ادعای تو ادعایی باطل است، این حرکت‌هایی بود که جامعه شیعه برای مقابله با آن چالش‌ها انجام داد و از دوره بحرانی عبور کرد.